

# کلمات

ژان پل سارتر

ترجمہ ناہید فروغان



تقدیم به مادام ژد ( Z )

سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵ - ۱۹۸۰ م  
کلمات / ژان پل سارتر، ترجمه ناعبد فروغان ۱ - تهران نقوس - ۱۳۸۶  
۲۱۶ ص.  
ISBN 978-964-311-606-4

فهرست نقوس بر اساس اطلاعات فیبا

*Les mots*, 2003

عنوان اصلی  
۱. سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵ - ۱۹۸۰ م. Sartre, Jean Paul - خود سرگذشته  
۲. نویسندگان فرانسوی - قرن ۲۰ م - سرگذشته ۳. فیلسوفان فرانسوی -  
سرگذشته الف. فروغان، ناعبد، ۱۳۲۶ - مترجم: به عنوان

۸۲۸/۹۱۲ PQ ۲۶۱۳/ف ۲۴۵ ص

۱۳۸۲

۴۲۰۲۵۱۱۷ م

کتابخانه ملی ایران

این کتاب ترجمه‌ای است از:

**Les mots**

Jean-Paul Sartre

Éditions Gallimard, 1964



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهزادای اندامری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۳۰۸۶۳۰

✽ ✽ ✽

ژان پل سارتر

کلمات

ترجمه بهزاد فروغان

چاپ هشتم

۷۷۰ نسخه

۱۴۰۰

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۱۱ - ۶۰۶ - ۴

ISBN: 978 - 964 - 311 - 606 - 4

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۴۲۰۰۰ تومان

## مقدمه مترجم

وقتی جایزه نوبل ۱۹۶۴ به سارتر تعلق گرفت، می شد ادعا کرد که احترام و اعتباری که دشمنانش نیز برایش قایل بودند، به دو انسان متمایز تعلق گرفته است، هم به نویسنده‌ای که حدود بیست سال پیش از آن بر زندگی ادبی فرانسه تأثیر نهاده بود و هم به مردی که به عنوان متفکر و داستان‌نویسی معتبر حدود پانزده سالی می شد که زندگی خود را وقف مبارزات سیاسی روزمره کرده بود.

باید اذعان کرد که سارتر در دهه ۱۹۶۰ مخاطبان انبوه خود را نداشت اگر حدود بیست یا بیست و پنج سال پیش از آن نهوع<sup>۱</sup> درسته<sup>۲</sup> یا راه‌های آزادی<sup>۳</sup> را نوشته بود. در هر حال نقش سارتر و نفوذش در دهه ۱۹۶۰ هر چه بوده باشد، در باره خود او نمی توانیم به تعریف مشخصی دست یابیم اگر به زمانی برنگردیم که درگیر شکلی از ادبیات شده که «وضعیت انسانی» نام گرفته بود و همان ادبیاتی بود که مالرو، پانوس و کامو نیز درگیرش بودند. سارتر این ادبیات را باز یافت و بدان مداوم بخشید و آن را «رسالت» خود کرد. این ادبیات به پرسش‌هایی پاسخ می داد که برای انسان نیمه اول قرن بیستم مطرح بود.

ویژگی آثار سارتر از ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۶ پرداختن به تنهایی و آزادی و

1. *La Nausée*

2. *Huis-clos*

3. *Chemin de la Liberté*

مسئولیت انسان است. البته این ویژگی خاص سارتر نبود، چون در آثار نویسندگان اوایل قرن بیستم نظیر پگی و ژید و اونسامونو نیز وجود داشت. علت آن بود که مکاتب «ساخته و پرداخته» دیگر از توضیح و هدایت زندگی انسان در قرن بیستم بازمانده بودند و در نتیجه بیزاری از تفکراتی از این دست در ادبیات پدیدار شده بود. این وضعیت را که همان وضعیت انسان قرار گرفته در برابر زندگی است، بعدها مالرو و کامو نیز تجربه کردند.

مکاتب بزرگ مدافع پیشرفت که در نهضت خود کسانی نظیر لامارتین و هوگو را به جامعه عرضه داشته بودند، تأثیر خود را از دست داده بودند. ترکیب هماهنگ کلاسیسیسم و نظام‌های فلسفی بزرگ دیگر به گذشته تعلق داشت. نتیجه آن که انسان قرن بیستم که از توسل به مکاتب ساخته و پرداخته، که دیگر به آن‌ها اعتقادی نداشت، محروم شده بود، احساس تنهایی می‌کرد و همین تنهایی مسئولیتش را که دیگر چیزی برای هدایت آن وجود نداشت، بارزتر می‌نمود. تنش بین این تنهایی و این مسئولیت که آشکارا متناقض و در عین حال همبسته‌اند، شالوده آثار برنارزس و مالرو و گراهام گرین و کامو را تشکیل می‌دهند. انسان غربی دیگر به توضیحات و قواعد زندگی‌ای که برای به کار گرفته شدن به او داده می‌شدند، اعتقاد نداشت، اما این وضعیت باعث سلب مسئولیت او نبود و حتی آن را دلهره‌آورتر نیز می‌نمود. این مسئله سرانجام تمام ادبیات را فراگرفت و آن‌طور که به غلط می‌گویند به آن وجهی «متافیزیکی» داد. آثار سارتر و بسکسونان و همعصرانش بر همین مسئله بنا شده بود.

اما چیزی که در کار سارتر نازگی داشت این بود که با مسئله به نحو نظام‌مند و به عنوان فیلسوف برخورد می‌کرد و بزرگ‌ترین مسئله اخلاقی ادبیات قرن بیستم را که دلهره آن انسانی است که در اعمال این مسئولیت هیچ راهنمایی نمی‌پذیرد، به تأمل فلسفی بقاعده و در نتیجه نظام‌مندی تغییر شکل داد و این بدیع‌ترین مشخصه آثار او به شمار می‌آید.